



دیپلمات‌ها و تحلیلگران در توضیح اهمیت نقش رئیس‌جمهوری در سیاست خارجی و احیای برجام:

بله، فرق می‌کند

گرفتن ایران ذیل فصل هفتم منشور، نقش غیرقابل انکاری ایفا کرده بود و پس از آن نیز به تبعیت از رئیس‌پیشین خود، در زمره مخالفین جدی برجام قرار داشت. علی باقری‌کنی اما زمانی که به عنوان مذاکره‌کننده در متن تلاش برای کسب منافع ملی با توجه به اراده نظام در این امر که مصداقش در کلام آیت‌الله خامنه‌ای اینگونه تشریح شده که «اگر بتوان تحریم را رفع کرد، حتی یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم» و «اگر بتوان با روش درست، عاقلانه، ایرانی-اسلامی و عزتمندانه تحریم‌ها را برطرف کرد باید این کار را انجام داد»، قرار گرفت، در ۲۰ شهریور ۱۴۰۲ گفت: «کسانی که با پوشش دفاع از ارزش‌ها تلاش می‌کنند تا مذاکره را ماهیتاً ضد ارزش جلوه دهند، عملاً می‌خواهند دست نظام را برای تأمین منافع ملی از این ابزار کلیدی و مهم تهی کنند».

با این حال، مؤلفه‌های زیادی از جمله عدم دانش و تجربه کافی مذاکره‌کننده ارشد ایران، بهره‌گیری از مشاوران بعضاً دارای اغراض جناحی و شخصی و همچنین تحولات بین‌المللی و داخلی موجب شد تا باقری نتواند وظیفه محوله را به سرانجام برساند اما مذاکرات را به بن بست کشاند. امروز نیز دو تفکر در موضوع مذاکرات و گفت‌وگو در دو سوی انتخابات ریاست‌جمهوری مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند که یکی قائل به گفت‌وگو، تعامل و خواهان احیای برجام است و دیگری تنها بر این امر تأکید دارد که «ما در برجام طلبکار هستیم». مسئله‌ای که اما حتی طرف طلبکار نیز نمی‌تواند آن را انکار کند، ضربه‌ای است که تحریم‌ها در همه سال‌های پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال سیاست فشار حداکثری بر کشور وارد آورده است. حال، با توجه به واقعیت ذکرشده و همچنین فضای منطقه و بین‌الملل در زمان روی کار آمدن دولت چهاردهم، دو سوال مهم مطرح است که هم‌میهن برای پاسخ به آن‌ها به سراغ دیپلمات‌های بازنشسته و باتجربه دستگاه دیپلماسی و کارشناسان و تحلیلگران رفته و از آن‌ها پرسیده است:



فاطمه کلانتری
خبرنگار گروه دیپلماسی

دور دوم چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در حالی روز جمعه (۱۵ تیرماه) برگزار خواهد شد که موضوع سیاست خارجی، تحریم‌ها، FATF و برجام یکی از محورهای اصلی برنامه‌ها، مناظره‌ها و کمپین‌های دو نامزد است. توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ امضا شد اما خروج آمریکا از آن در سال ۲۰۱۸، موجب شد تا ثمرات برجام که در سال نخست پس از امضا، موجب تورم تک‌رقمی و رشد دورقمی شده بود، از اهداف خود فاصله بگیرد. با بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید پس از انتخابات ۲۰۲۰ به بازگشت ایالات متحده به برجام را نیز در کمپین انتخاباتی خود جای داده بودند، همین امر نیز موجب شد تا مذاکرات احیای برجام با حضور هیئت‌های مذاکره‌کننده در وین آغاز شد و روندی را در پیش گرفت که سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وقت وزارت امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایران در خرداد ۱۴۰۰ و در آستانه سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کند که «معتقدیم که بیش از هر زمان دیگری به توافق نزدیک شده‌ایم».

دولت سیزدهم اما کار خود را با حضور نیروهایی آغاز کرد که در همه سال‌های مذاکرات، توافق و پس از آن، منتقد برجام بودند و به نظر می‌رسید کسی دیگر به میز مذاکرات وین باز نخواهد گشت. با این حال اما در نهایت به‌رغم همه مواضع پیشین، پس از ۶ ماه، شخصی عازم وین شد که پیش از تصدی مسئولیت معاونت دستگاه دیپلماسی در سمت معاونت دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، در صدور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و قرار

برخی معتقدند که اگر سیاست کلی نظام احیای برجام است، بنابراین هیچ فرقی ندارد که سعید جلیلی رئیس‌جمهور باشد یا مسعود پزشکیان. چون در هر دو صورت هر کدام از این دو برجام را احیا خواهند کرد؟ آیا شما با این فرض موافق هستید؟ اگر آری چرا؟ اگر نه، چرا؟

اشتباهی گرفته بود. موضوعاتی را مطرح می‌کرد که حتی چین و روسیه هم با آن مخالف بودند. نتیجه هم همان شش قطعه‌نامه ذیل فصل هفتم منشور امنیت سازمان ملل شد. از آن به بعد هدف مذاکره‌کنندگان بعد از جلیلی، خارج کردن کشور از بار گران همان قطعنامه‌ها متمرکز شد. بنده به جد اعتقاد دارم توافق هسته‌ای (برجام) بزرگترین دستاورد و موفقیت کشور طی چند دهه گذشته بود. اینکه چرا به اینجا رسیدیم و اینکه آیا همان برجام قابل احیاست یا باید در پی توافق دیگری باشیم، بحثی طولانی است.

فکر می‌کنم دیدگاه جلیلی مبنی بر مطالبه‌گری در مذاکرات آتی توافق هسته‌ای ریشه در تفکری دارد که به دنیا از دریچه ایدئولوژیک نگاه می‌کند. با این تفکر هیچ توافقی قابل دستیابی نیست. بنابراین در پاسخ به سوال شما باید گفت حتی اگر خواست نظام باشد باید افراد کارآموده را به کار گیرید. قطعاً اگر فرد دیگری غیر از قوام‌السلطنه برای مذاکره به مسکو می‌رفت، آن نتیجه حاصل نمی‌شد.

تردید نکنید اگر جز ولایتی و ظریف مسئول مذاکره اجرای قطعنامه ۵۹۸ بودند، آن دستاورد بزرگ را نداشتیم که خاویر پرز کوئیار عراق را شروع کننده جنگ اعلام کند و اگر روحانی و ظریف نبودند توافق هسته‌ای به سرانجام نمی‌رسید. امروز هم فرق بزرگی است بین پزشکیان که در سیاست خارجی اعتقاد به تعامل با جهان، توازن در مناسبات و روابط خارجی و استفاده از همه فرصت‌ها برای توسعه کشور و رفاه مردم دارد و سعید جلیلی که قطعنامه را ورق پاره و تحریم را نعمت می‌داند و در شرایطی

جاوید قربان اوغلی، دیپلمات بازنشسته و سفیر پیشین ایران در آفریقای جنوبی؛ بله، تصمیم مذاکره یا



توافق با نظام است اما نقش کسی که این تصمیم را به بهترین وجه و با حفظ حداکثری منافع ملی کشور اجرایی کند، بسیار مهم و تعیین‌کننده است. نظام به دولت سیزدهم اجازه مذاکره و توافق داد. اتفاقاً این تصمیم در جلسه‌ای بود که رهبری شخصاً آن را اداره و مدیریت می‌کردند. در این جلسه بسیاری از آقایان از جمله دکتر صالحی، اسلامی، علی لاریجانی و همین آقای جلیلی حضور داشتند. رهبری با دقت همه نظرات را شنید و در نهایت تصمیم به مذاکره و احیای توافق هسته‌ای اتخاذ شد. چه شد که به نتیجه نرسید؟ دقیقاً مسئولیت تیم مذاکره‌کننده، توانمندی تیم در مدیریت مذاکرات و دستیابی به توافق بود. یک‌سال فرصت‌سوزی شد. در نهایت هر چند گفته می‌شود آقای باقری نیز به این نتیجه رسید که نمی‌توان به توافقی بهتر از توافق قبلی دست یافت. هر گونه مطالبات بیشتر منجر به انسداد و بن‌بست خواهد شد. بارها گفته شده توافق بدهستان است. نمی‌توان انتظار داشت همه چیز را بگیریم و چیزی ندهیم. دیگر اینکه مذاکره باید هدفمند و قابل اجرا باشد. همین آقای جلیلی طی شش سال به قول دکتر ولایتی میز مذاکره را با منبر و وعظ و خطابه



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



آیا رئیس‌جمهوری ایران جهت دیپلماسی را عوض می‌کند؟

دو نامزد باقی‌مانده که برای ریاست‌جمهوری ایران رقابت می‌کنند، سعید جلیلی و مسعود پزشکیان، دیدگاه‌های متفاوتی را برای آینده کشور به‌رای دهندگان ارائه می‌دهند. با این حال، کارشناسان می‌گویند که دیدگاه‌های متفاوت آنها بعید است که منجر به تغییر قابل توجهی در سیاست خارجی ایران شود. پزشکیان، وزیر بهداشت سابق، در انتخابات روز جمعه اول شد، اما ۵۰ درصد مورد نیاز برای یک پیروزی قطعی را کسب نکرد. پزشکیان در این رقابت به‌عنوان تنها نامزد غیراصولگر که مجاز به شرکت در انتخابات است، توجهات را به خود جلب کرد. او از حمایت اصلاح‌طلبانی مانند محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق برخوردار بود، که احتمالاً دخالت او نشان می‌دهد که پزشکیان یک هدف کلیدی سیاست خارجی اصلاح‌طلبان را دنبال خواهد کرد: مذاکره مجدد درباره توافق هسته‌ای برای کاهش تحریم‌ها بر اقتصاد ایران و کاهش تنش با غرب. در سوی دیگر طیف سیاسی، جلیلی راندرتورین نماینده سیاسی محافظه‌کاران می‌داند. تحلیلگران می‌گویند که پیروزی این تندرو سرسخت - با حمایت دیگر نامزدهای محافظه‌کار دور اول - نشانگر رویکردی حتی بیشتر تقابل‌آمیز در قبال غرب، به‌ویژه ایالات متحده است. جلیلی که به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ فعالیت می‌کرد، با این ایده که ایران باید درباره برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود با سایر کشورها گفت‌وگو کند یا با آنها مصالحه کند، مخالف بود. صرف‌نظر از مواضع کاملاً متفاوت نامزدها، رئیس‌جمهور ایران در یک محدوده عمل محدودیت‌هایی دارد. آیت‌الله‌علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیشترین تأثیر را در مودسیاست خارجی دارند. علی‌واظ، رئیس برنامه ایران گروه بین‌المللی بحران، می‌گوید: «اگر فرض کنید که سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران با روی کار آمدن ترامپ در مقایسه با بایدن، ۱۸۰ درجه تغییر می‌کند، باید گفت که تغییر رئیس‌جمهوری در ایران، سیاست خارجی ایران را تنها ۲۵ درجه تغییر می‌دهد و این تغییر ناچیز است. عناصری از تداوم وجود دارد که میزان تغییر را محدود می‌کند. یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب باید با نیروهای فوق محافظه‌کار حاکم بر پارلمان ایران روبه‌رو شود، در حالی که توانایی او برای تعامل با غرب با تعامل منطقه‌ای کشور که آن را در مقابل متحدان غرب قرار داده است، آزمایش می‌شود. در ماه آوریل، ایران در انتقام حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق پایتخت سوریه که منجر به کشته شدن فرماندهان ارشد سپاه شد، حمله موشکی و پهپادی را علیه اسرائیل انجام داد. این تقابل بی‌سابقه در بحبوحه تشدید تنش‌های منطقه‌ای رخ داد، زیرا جنگ اسرائیل علیه غزه ادامه دارد و احتمال وقوع یک جنگ همه‌جانبه بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان که مورد حمایت ایران است، بیشتر می‌شود. اما در حالی که سیاست‌های منطقه‌ای مدت‌هاست به‌شدت تحت تأثیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدیریت می‌شود، مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های جهانی همچنان روی میز است. ولی نصر، استاد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جانز هاپکینز، می‌گوید: رئیس‌جمهور می‌تواند لحن و نگرش در سیاست خارجی را تغییر دهد حتی اگر این تغییرات حاشیه‌ای باشند. در مورد توافق هسته‌ای، رئیس‌جمهور می‌تواند در بررسی احتمالات برای انواع مختلف تسلیحات اتمی نقش‌آرگانی داشته باشد. پزشکیان برای شروع مذاکره با آمریکا اقدام می‌کند در حالی که جلیلی این کار را نمی‌کند.» دیپلماسی هسته‌ای برای ایرانی‌ها مرکزیت دارد، زیرا مستقیماً بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد. دولت‌های متوالی نتوانسته‌اند با کاهش ارزش پول و تورم مقابله کنند، زیرا آنها رژیم تحریم‌های غرب را مقصر می‌دانند. نصر می‌گوید: «برای برداشته شدن تحریم‌ها، باید علاقه‌مند به گفت‌وگو با غرب بود اگر رئیس‌جمهور ناسازگار داشته باشید، این تفاوت ایجاد می‌کند.» ریاست‌جمهوری جلیلی مطابق با رویکرد مرسوم رئیسی خواهد بود که در دوره سمساله ریاست‌جمهوری خود قبول داده بود که اقتصاد را به مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های خارجی مرتبط نکند. در عوض، دولت او تصمیم گرفت به توانمندی‌های داخلی ایران تکیه کند و در عین حال تجارت خود را به سمت شرق متمرکز کند و روابط با چین، روسیه و کشورهای همسایه را تقویت کند. ایران سال گذشته قراردادی را با میانجیگری چین با عربستان سعودی امضا کرد که به جنگ سرد چندساله بین رقبای منطقه‌ای پایان داد. رئیس‌جمهور همچنین بر پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای تأکید کرد و این کشور در اوایل سال جاری به عضویت بلوک بریکس درآمد. اما چرخش موسوم به شرق نتایج ملموسی از نظر بهبود اقتصاد به همراه نداشت و باعث شد هر رئیس‌جمهوری در آینده نیاز به ایجاد تعادل در جهت‌گیری داشته باشد.